



# جمع‌بندی یافته‌ها

## الف- هزینه اقتصادی فساد و تحریم‌ها

### ۱) جدال هسته‌ای: نزاع تریلیون دلاری

کل فرصت‌های شغلی ایجاد شده در این بازه زمانی معادل صفر بوده است. با وجود قیمت نفت که هر بشکه بیش از ۱۰۰ دلار بود، سیل کالاهای وارداتی به ایران منجر به ورشکستگی بیش از ۲،۵۰۰ شرکت صنعتی و کاهش ۵۰۰ هزار نیروی کار در بخش صنعت شد.

بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) مجلس ایران، مدل‌های اقتصادی نشان می‌دهند هزینه پرونده‌های فساد و تحریم‌ها برای اقتصاد ایران در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد در حدود ۱ تریلیون دلار بوده است.

### ۲) فرصت‌های شغلی: معادله میلیارد دلاری

### ۵) بیکاری جوانان

در حالی که ۶۰ درصد جمعیت ایران را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند، بیکاری در میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ایرانی رقم حیرت‌آور ۲۱.۸ درصد و برای زنان در این گروه سنی ۴۰ درصد است. بر اساس شواهد موجود، بازار کار تنها قادر است برای یک نفر از هر سه جوان ایرانی که وارد بازار کار می‌شوند، کار فراهم کند. تا سال ۲۰۲۱ با نیروی کار ۴۲.۵ میلیون نفری، ۷.۵ میلیون نفر یا ۱۷.۶ درصد جمعیت کشور بیکار خواهند بود.

فساد نوعی از واگذاری سرمایه (divestment) است. مدل‌های اشتغالزایی برای کشورهای با شرایط مشابه ایران گویای آن است که، بسته به بخش اقتصادی، هر ۱ میلیارد دلار درآمد از دست رفته نفتی، اگر در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری شود، می‌تواند بین ۲۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار شغل ایجاد کند.

### ۳) فرصت‌های شغلی: معادله تریلیون دلاری

بر اساس اظهارات وزیر کار ایران، هزینه ایجاد یک شغل از ۶ هزار تا حدود ۱۲۰ هزار دلار است. با در نظر گرفتن ۶ هزار دلار، ۱ میلیارد دلار می‌تواند بیش از ۱۶۰ هزار شغل ایجاد کند. با در نظر گرفتن ۱۲۰ هزار دلار برای ایجاد یک شغل، با ۱ میلیارد دلار می‌توان بیش از ۸ هزار شغل ایجاد کرد. حتی با احتساب ۱۲۰ هزار دلار برای ایجاد یک شغل، با یک تریلیون دلاری که در دوره احمدی‌نژاد از دست رفت، می‌شد بیش از ۸ میلیون شغل با درآمد مکفی ایجاد کرد.

### ۶) فساد، رسوایی و فرصت‌های شغلی

بر اساس مدل «مؤسسه مالی بین‌المللی» (IFC) رسوایی ۲.۷ میلیارد دلاری زنجانی برای ایران به بهای از دست رفتن بین ۲۷۰ هزار تا بیش از ۱ میلیون شغل تمام شد. با در نظر گرفتن برآورد ۶۰۰۰ دلار برای ایجاد یک شغل که وزیر کار ایران ارائه داده است، در صورت بازگرداندن مبلغی که در پرونده زنجانی از دست رفت، می‌توان ۴۵۰ هزار شغل ایجاد کرد.

اگر مبلغ ۲۴.۵ میلیارد دلاری که شرکت بازرگانی نفتیران، بازوی فراساحلی شرکت ملی نفت از پول‌های آزاد شده پس از رفع تحریم، از بانک مرکزی برداشت کرد، در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری می‌شد، می‌توانست با در نظر گرفتن ۶۰۰۰ دلار برای ایجاد یک شغل، بیش از ۴ میلیون شغل و با در نظر گرفتن ۱۲۰ هزار دلار برای یک شغل، بیش از ۲۰۰ هزار شغل ایجاد کند.

### ۴) تصویر اشتغال

سوءاستفاده از درآمدهای نفتی، پایه‌های صنعت ایران را فرسوده کرده است. فساد تأثیر ویرانگری بر کارگران داشته است. با وجود درآمد مزاد بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۳ اقتصاددانان به این نتیجه رسیده‌اند که تعداد

## ب- سرقت نفت و ناهمخوانی حسابها: عایدات حاصل از رفع تحریمها و صندوق توسعه ملی

### ۱) عدم حسابرسی اموال مسدود شده ایران

دولت روحانی و بانک مرکزی ایران هنوز حسابرسی کاملی از وضعیت اموال بلوکه شده ایران ارائه نداده‌اند. اختلافهای قابل‌توجهی در حسابهای موجود به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که دولت قادر به ردگیری، تعیین تکلیف و حسابرسی دستکم ۶۰ میلیارد دلار از اموال بلوکه شده نبوده است. طبق اعلام وزیر خارجه پیشین ایالات متحده، جان کری، تا آوریل ۲۰۱۶ تنها ۳ میلیارد دلار از اموال مسدودشده ایران به این کشور بازگردانده شده است. اظهارات جان کری موجب تردید درباره ادعای بانک مرکزی ایران در مورد ۲۷ تا ۲۹ میلیارد دلار وجه که قرار بود از محل اموال بلوکه شده به ایران بازگردد، شده است.

### ۴) بانکهای داخلی

بنا به اعلام بانک مرکزی، دولت مجوز برداشت معادل ریالی ۱۰ میلیارد دلار از محل دارایی‌های مسدودشده ایران را از این بانک صادر کرد. در سال ۲۰۱۵ رئیس بانک مرکزی وضعیت این وجه را که گفته می‌شود به بانکهای مختلف داخلی وام داده شده «مشکوک» توصیف کرد. این موضوع سؤالات جدی درباره سلامت نظام بانکی ایران، میزان فساد در بخش مالی، ماهیت و شرایط وام‌هایی که اعطا شده، و وضعیت ۱۰ میلیارد دلاری که در اختیار پروژه‌های در آستانه ورشکستگی یا انحلال قرار دارد، ایجاد می‌کند. دولت روحانی تا به امروز گزارش شفاف و جامعی درباره چگونگی بر باد رفتن این دارایی‌ها ارائه نداده است.

### ۲) شرکت ملی نفت ایران (NIOC) و شرکت بازرگانی نفتیران (NICO)، میزی ۲۴.۵ میلیارد دلاری

بانک مرکزی، شرکت ملی نفت ایران و سازمان حسابرسی کشور تکلیف حسابرسی ۲۴.۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی را مشخص نکرده‌اند. این مبلغ از سوی شرکت بازرگانی نفتیران که بازوی بازرگانی شرکت ملی نفت محسوب می‌شود برداشت و بدون کسب مجوزهای لازم خرج شده است.

### ۵) صندوق توسعه ملی ایران

درحالی که هیاهوی بسیار بر سر میزان دستمزد مدیران صندوق توسعه ملی ایران (صندوق تثبیت نفت پیشین) به راه افتاده است، بحران موجود در این نهاد بسیار عمیق‌تر از رسوایی مربوط به حقوق و مزایای نجومی مدیران آن است. از ظواهر امر برمی‌آید که قوانین و مقررات مربوط به سپرده گذاری و برداشت پول از حساب، نادیده انگاشته شده تا غارت اموال صندوق برای پروژه‌های بدون ردیف بودجه و با مطامع شخصی تسهیل گردد. «مؤسسه ناظر بر درآمد» برآورد کرده است بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ باید ۳۶ میلیارد دلار بیش از رقم ذکر شده از سوی دولت به حساب صندوق واریز می‌شد و بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ دولت بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار بدون توجیه اقتصادی روشن از صندوق برداشت کرده است. مردم ایران تا به امروز درباره عملکرد صندوق توسعه ملی در بی‌خبری نگه داشته شده‌اند. صندوق توسعه ملی ایران در فهرست شفافیت که از سوی مؤسسه «ثروت ملی» منتشر می‌شود از ۱۰ امتیاز ۱ امتیاز کسب کرده است. وضعیت صندوق توسعه ملی -که از هر جهت ناتوان است- نشانگر ضعف مفرط ساختاری در این نهاد است. با توجه به ضرورت حفاظت از کشور در برابر نوسانات بازار نفت، چنین سطحی از فساد، سهل‌انگاری و سوءمدیریت درآمدهای نفتی باید باعث نگرانی عمیق دولت و مردم ایران باشد. بررسی همه جانبه صندوق، به انضمام حسابرسی کلیه سپرده‌ها و برداشت‌هایی که از حسابهای آن صورت گرفته، مسأله امنیت ملی است.

### ۳) قراردادهای نفتی و امتیازات اعطا شده به چین

وضعیت ۲۲.۵ میلیارد از درآمدهای نفتی ایران که به عنوان ضمانت پروژه‌های مشترک به صورت ودیعه در چین گذاشته شده بود، مشخص نیست. گرچه این قراردادها و امتیازات با عهدنامه ننگین «ترکمانچای» مقایسه شده‌اند؛ ماهیت و قانونی بودن آنها و همچنین هویت افراد ذی‌نفع، در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. تاکنون مشخص نشده است که چه کسی به نمایندگی از مردم ایران این حسابها را ایجاد و کنترل می‌کند و این حسابها در کدام بانکها ایجاد می‌شوند. این نکته نیز بر ما پوشیده است که مبلغ ۲۲.۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران برای تضمین کدام پروژه مشترک به کشور چین سپرده شده و احیاناً چه کالاها یا خدماتی و از سوی چه افرادی از چین وارد ایران شده است.

## پ- اداره بخش نفت و گاز

### ۱) نقطه کور مردم ایران

طرح‌های توسعه بخش نفت و گاز ایران را تغذیه می‌کنند نیز بریده شده‌اند. بازگرداندن شفافیت و پاسخگویی به بخش نفت و گاز برای محافظت از منابع ایران ضروری است. ایران باید رشته ارتباط خود را با بازار سیاه بین‌المللی بسیار پیچیده نفت بگسلد. این بازار سیاه، دنیای زیرزمینی تبهکارانه‌ای است که به اندازه بازار غیرقانونی مواد مخدر و اسلحه قدرتمند است. امنیت ملی و آینده اقتصادی ایران بسته به این است که فعالیت‌های بخش نفت را از زیر پرده راز و ابهام بیرون آورد. زیرا این مخفی‌کاری فساد را تسهیل می‌کند و به مصونیت از مجازات پاداش می‌دهد. برای حفظ امنیت ملی و آینده اقتصادی به جای اجازه دادن به پرده‌پوشی، دولت باید دسترسی به اطلاعات را تسهیل کند و ترتیبی اتخاذ کند که نهادهای متعدد داده‌های مربوط به قیمت‌ها، حجم، محموله، خویل، پرداخت‌ها و شرکا را چک کنند، گزارش کنند، مورد حسابرسی قرار دهند و تأیید نمایند.

### ۵) بودجه و خزانه: تخصیص نفت و بدخیمی اقتصادی

بخش قابل‌توجهی از درآمدهای نفتی ایران در بودجه گنجانده نمی‌شود. نفت به بازیگران گوناگونی چون سازمان‌های نیمه‌دولتی، فرماندهان سپاه پاسداران و کنسرسیوم‌های خصوصی واگذار می‌شود که همگی خارج از مجاری رسمی عمل می‌کنند. خزانه و مجلس کنترلی بر بودجه، درآمد و هزینه کرد این سازمان‌ها ندارند. این شکاف در حاکمیت ملی عوارض جدی برای کشور دارد، زیرا حساس‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران را به روی الیگارش‌ها، شبه نظامیان و تبهکاران باز می‌کند. این گروه‌ها نه تنها قدرت سیاسی خود را جهت استقرار و توسعه قدرت انحصاری خود که منابع ایران را به یغما می‌برد مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند، بلکه از کوتاه کردن دست مردم ایران از حاکمیت ملی و تحت کنترل گرفتن دولت به نمایندگی از عوامل خارجی نیز سود می‌برند. برخی از این نهادها مستقیماً در نقض حقوق بشر، پولشویی، تأمین مالی افراط‌گرایی، اخاذی، قاچاق و دیگر فعالیت‌های مجرمانه و تروریستی دست دارند.

### ۶) سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز

فساد دلیل اصلی افول صنعت نفت و گاز ایران است. به زبان صریح‌تر، بازگشت سرمایه در پروژه‌های نفت و گاز ایران رقت‌انگیز است. طراحی، مدیریت، ساختار، تأمین مالی و

بخش نفت و گاز ایران در نقطه کور جمعی نگاه داشته شده است. همان‌گونه که در پرونده زنجانی شاهد بودیم، جریان داده‌ها و اطلاعات که برای نظارت بر حرکت نفت و پول در بخش نفت ضروری هستند قطع شده بود. با وجود پرسش و پیگیری رسانه‌ها، دولت و دیگران در بخش نفت و گاز از ارائه حساب‌های مربوط به وضعیت میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی عاجزند. به گونه مشابه، بنیادی‌ترین و ابتدایی‌ترین اطلاعات درباره ساختار مالکیت، توانایی‌ها و عملکرد بازیگران عمده ای چون قرارگاه خاتم‌الانبیا در دسترس نیست. روشن نیست تصمیمات چگونه اتخاذ می‌شوند. قراردادهای چگونه اعطا می‌شوند. سرمایه‌ها چگونه تخصیص می‌یابند، پروژه‌ها چگونه تحت نظارت قرار می‌گیرند و درآمدها چگونه اندازه‌گیری می‌شوند. طرح‌ها و پروژه‌های عمده اقتصادی به مدت چند دهه معطل مانده‌اند. اگر قرار باشد اقتصاد کشور احیا شود، بازیگری و احیای بخش نفت و گاز باید اولویت ملی باشد.

### ۲) ناشناخته: بازار سیاه در نفت ایران

مقادیر نامعلومی از نفت ایران توسط مافیای نفتی و دیگر عوامل فاسدی که نسبت به مردم ایران تعلق خاطر ندارند، در بازار سیاه به فروش می‌رسد. برخی نفتکش‌ها به صورت تام و کمال از دایره حساب و میزبانی خارج می‌شوند. این کارتل‌های نفتی تهدیدی برای رفاه اقتصادی و امنیت ملی ایران هستند.

### ۳) سیاست انرژی: اولویت‌ها و سیاست‌ها

اولویت‌های سیاسی و اقتصادی ایران باید بر خط‌مشی انرژی درازمدتی متمرکز کند که عقلانی باشد، نه ایدئولوژیک یا سیاسی. برنامه هسته‌ای ایران تأمین کننده کم‌تر از ۱ درصد انرژی مصرفی کشور است. درحالی که سوخت‌های فسیلی بیش از ۹۹ درصد انرژی کشور را تأمین می‌کند. قرار دادن بخش نفت و گاز و اقتصاد ایران در معرض خریم‌های ویرانگر به نام دفاع از حق غنی‌سازی اورانیوم، خودکشی اقتصادی بود.

### ۴) تضمین زنجیره درآمد و تأمین نفت

زنجیره تأمین نفت ایران در برابر فساد به شدت آسیب‌پذیر است. شریان‌هایی که جریان فیزیکی نفت و گاز را به خارج از کشور و جریان کالا و درآمد را به داخل کشور متصل می‌کنند، بریده شده‌اند. شریان‌هایی که سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و

است. میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی در پارس جنوبی ناپدید شده است تا ارزش کل میدان از طریق قراردادهای فاسد که گاز ایران را به یک چهاردهم ارزش واقعی آن قیمت‌گذاری می‌کند. به یغما برود. طرح‌های ایران برای پمپ کردن سالانه ۳۴ میلیارد متر مکعب گاز به برنامه بازیافت نفت خود. به خاطر خط‌مشی‌های کوتاه‌بینانه در معرض خطر قرار گرفته است. همان‌طور که موقعیت ایران مأیوس‌کننده‌تر شده، موقعیت کشورهای دیگر منطقه تقویت شده است. قطر که در میدان گاز پارس جنوبی با ایران سهیم است و از آن برداشت می‌کند. به یک ابرقدرت انرژی در جهان بدل شده است.

### ۹) سودی که خلیل می‌رود: میدان‌های نفتی ایران

حفظ بهره‌وری میدان‌های نفتی ایران در آینده اقتصادی ایران نقشی حیاتی بر عهده دارد. هر سال میدان‌های نفتی کشور بین ۸ تا ۱۴ درصد از سطح تولید خود را از دست می‌دهند - زبانی عظیم که می‌توان با تزریق مجدد ۳۴ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی به داخل چاه‌های نفت از آن جلوگیری کرد. اما ایران دو «طرح توسعه ملی» آخر خود (۲۰۰۵-۲۰۱۵) برای افزایش ۲ درصدی برداشت نفت را به انجام نرسانده است.<sup>۳۲</sup> با در اختیار داشتن ۹.۳ درصد ذخایر قطعی نفت خام متعارف جهان، هر ۱ درصد افزایش در نرخ برداشت نفت به معنای ۸۰ میلیارد دلار درآمد بیشتر است.<sup>۳۳</sup> به جای پیشرفت و افزایش تولید، فساد در بخش نفت و گاز با سرعتی سرسام‌آور زیان روی زیان انباشته می‌کند. سیاست‌گذاران ایران با ایجاد طرح بازیافت و عدم اجرای صحیح آن دهه بعد از دهه، نسل‌های آینده را در معرض خطر قرار می‌دهند.

ضمانت طرح‌ها و پروژه‌ها بسیار ضعیف است. نتیجه، شرم‌آور است. ایران دارای بزرگ‌ترین منابع گاز جهان است - میدان پارس جنوبی - اما شرکت ملی گاز ایران تقریباً ورشکسته است. همان‌طور که پرونده رسوایی شرکت کرسنت [به صفحه ۳۲ مراجعه کنید] به خوبی نشان داده است. پس از صرف میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ایران برای توسعه پارس جنوبی، مقامات ایران شرکت ملی نفت را به دلیل فساد مورد سرزنش قرار می‌دهند. فساد که منجر به انعقاد قراردادهای درازمدت فاجعه‌بار شد که ایران را ملزم به فروش گاز خود به بهای یک چهاردهم قیمت بازار می‌کند.

### ۷) خط‌مشی و اداره

بر اساس شواهد فراوان گزارش بانک جهانی درباره صنعت نفت و گاز ایران، بینش مشخصی برای این بخش وجود ندارد. اقتدار تاریخی شرکت ملی نفت بنا به مقاصد معلوم ناپدیده گرفته شده و کادر حرفه‌ای آن مشمول پاکسازی شده است. درهای بخش نفت به روی بازیگران جدید باز شده است: بازیگران فاسد و تبهکار و گروه‌های خارجی که از سپاه پاسداران و بنیادهای نیمه‌دولتی تا کنسرسیوم‌های بین‌المللی و داخلی را در بر می‌گیرد. نتیجه این اقدام، جزیه و پاره‌پاره شدن صنعت نفت و گاز ایران بوده است - مانعی جدی بر سر راه توان عملیاتی و تولیدی این بخش. با پیامدهای بسیار منفی برای آینده اقتصاد ایران.

### ۸) سودی که خلیل می‌رود: پارس جنوبی

علی‌رغم میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری نامعلوم در طی چندین دهه، ایران با بزرگ‌ترین ذخایر گاز در جهان، از به فعل درآوردن توان بالقوه خود و تبدیل شدن به یک ابرقدرت گازی ناتوان بوده

## ت- مخاطرات سیاسی ناشی از فساد

### ۱) افراط‌گرایی

حساسی را در بخش‌های زیرساختی نفت و گاز ایران اشغال کرده بودند، بلکه مقادیر نامعلومی از درآمدهای نفتی ایران را به حساب‌های خارجی که ایران هیچ کنترل و قدرت قضایی در آنها ندارد واریز می‌کردند. افراط‌گرایی به شکل منازعه هسته‌ای، به سارقان حکومتی امکان داد کنترل فروش نفت را به نام دور زدن تحریم‌ها از آن خود کنند. این فعالیت‌های مربوط

ارتباط بین افراط‌گرایی و فساد غیرقابل‌انکار است. درحالی که مردم ایران تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی بودند، دولت روحانی یک گروه شبه‌نظامی اقتصادی وابسته به سپاه پاسداران را به دست داشتن در فساد در ابعادی که در تاریخ ایران بی‌سابقه بود، متهم کرد. فرماندهان سپاه نه تنها پست‌های

خواه با لباس مبدل دفاع از برنامه اتمی ایران باشد یا از طریق شعله‌ور ساختن درگیری‌های داخلی و منطقه‌ای.

به بازار سیاه امنیت و رفاه ایران را تهدید می‌کنند و مافیای نفتی را به تداوم افراط‌گرایی ترغیب می‌کنند. مافیای نفتی برای حفظ منافع خود بحران ایجاد می‌کند و به آن دامن می‌زند.

## ث- از خارج کردن نفت از حالت ملی تا احیای صنعت نفت

در دفاتر حسابداری و عملیات‌های بخش نفت و گاز ایران صورت بگیرد - به ویژه در مورد نحوه اداره این بخش در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد.

### ۳) قوه قضائیه و مجلس: محاکمه پرونده‌های فساد

قوه قضائیه و مجلس ایران نباید فساد مقامات ارشد حکومتی را که مسؤول اداره بخش نفت و گاز ایران بودند. لاپوشانی کنند. تمام پرونده‌های فساد در ایران باید مطابق قانون مو به مو مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند. هرچه مقام مسئولی بالاتر باشد. اعتماد عموم بیشتر خدشه‌دار شده و قانون‌شکنی سنگین‌تر بوده. بنابراین بازجویی کامل و رسیدگی به جرایم اهمیت بیشتری دارد. با این حال، همان‌گونه که از سوی احمدی‌نژاد و دیگران مطرح شده خود قوه قضائیه فاسد است و اغلب اتفاق می‌افتد که بازجویی‌ها و محاکمات را با قصد پنهان‌سازی فساد عظیم بخش نفت و گاز انجام می‌دهد. نه به قصد بر ملا کردن آن.

### ۱) شفافیت، پاسخگویی و کنترل

عملاً وظیفه ملی و منافع اقتصادی تمام ایرانیان ایجاب می‌کند از طریق مبارزه با فساد نفت خود را باز پس بگیرند. ایدئولوژی انقلابی جمهوری اسلامی نباید ابزاری برای خارج کردن نفت از حالت ملی باشد. بخش نفت و گاز ایران گنجینه‌ای ملی است و مردم ایران حق مالکیت این دارایی را دارند که تریلیون‌ها دلار ارزش دارد. فرایند اعاده و نجات این گنجینه به راه افتادن یک کارزار قدرتمند ضدفساد در تمام سطوح جامعه بستگی دارد. مقامات رسمی و نهادهای ایران وظیفه دارند از بخش نفت و گاز، مخازن، منابع و درآمدهای آن در برابر سارقان حکومتی محافظت کنند. آنان نه تنها باید خواهان شفافیت و پاسخگویی باشند، بلکه باید خط‌مشی‌ها، استانداردها و معیارهای سنجش را تعیین و اعمال کنند تا اعتماد به اداره صحیح، بهره‌وری و آینده بخش نفت و گاز احیا شود.

### ۲) میزبانی

برداشتن به پرونده‌های باز فساد، ائتلاف‌های بزرگ حسابداری، و شکاف‌های سامانند برای اعاده حق حاکمیت ایران بر منابع خود حیاتی است. لازم است مانند نیجریه، یک میزبانی مستقل

## ج- فساد هدفمند

### ۱) فساد تصادفی نیست

فساد در جمهوری اسلامی تصادفی نیست، بلکه ساختاری و سامانند (سیستماتیک) است، یعنی تعمداً و از روی قصد طراحی شده تا سرقت در ابعاد وسیع را تسهیل نماید. درحالی که ثروت بادآورده فساد به جمهوری اسلامی امکان ادامه حیات می‌دهد و عملاً به سارقان حکومتی پاداش می‌دهد و آنان را متحد می‌سازد تا هرچه بیشتر منابع و درآمدهای ایران را به تاراج ببرند. با قرار دادن فرهنگ، بهداشت، اقتصاد و امنیت مردم ایران در معرض آسیب‌های بی‌شمار، مردم را مجازات می‌کند.

### ۲) فساد ابزار دستیابی به تسلط

فساد، ابزار اعمال فشار و کنترل سیاسی و اقتصادی است - آداب تشرف است که خودی‌ها را از غیرخودی‌ها جدا می‌کند. به ارتشا، اخاذی، زیرمیزی و اختلاس به چشم نقض قانون و اخلاق نمی‌نگرند، بلکه آن را بخش لاینفک و ضروری فرهنگ سیاسی و بازرگانی ایران می‌دانند. در چنین سیستمی، بدون فساد هیچ‌کس در ملک خود نیز احساس امنیت نمی‌کند. بدین‌ترتیب فساد به عنوان ضرورت زندگی قلمداد می‌شود که ضامن بقا است یا اینکه دستکم فرد را از اخلاگری و اخاذی و ضبط اموال و زیان دیگران مصون نگه می‌دارد.

### ۳) فساد در بطن سیاست و تجارت است

ارتشا، اخاذی، زیرمیزی و اختلاس به بخش‌های جدایی‌ناپذیر و ضمنی فرهنگ سیاسی و بازرگانی ایران تبدیل شده‌اند. عملاً همه مبادلات اقتصادی در معرض فسادند. خودی‌های رژیم، کارچاق‌کن‌ها و دربان‌ها باج‌خواهی می‌کنند و در ازای صدور مجوز، پروانه، سند و قباله و خدمات دیگر «شیرینی» خود را می‌خواهند.

### ۴) فساد سامانند است

فساد به صورت فعال از طریق ساختارهای اداری و دولتی ترویج می‌شود و بنیان جامعه مدنی را با تشویق فرصت‌طلبی و حمایت از فرهنگ دزدی که بر پایه نقض حقوق فردی و جمعی استوار شده، تضعیف می‌کند. فساد حس هویت و همبستگی ملی ایرانیان را با فرسایش دادن بنیادهای شخصیتی آنان تهدید

می‌کند و کیفیت روابط و حس تعلق به جامعه را در میان آنان به شدت کاهش می‌دهد.

### ۵) فساد ارزش‌های سنتی را نفی می‌کند

نسل‌های آینده ایران مجبورند در محیطی رشد کنند که در آن ارزش‌های سنتی که سنگ بنای قانونی و اخلاقی سرمایه‌گذاری، رشد، ثبات و امنیت را تشکیل می‌دهند، نقض می‌شوند. ارزش‌هایی چون اعتماد، امانتداری، کرامت، همدلی، شفقت و همبستگی جای خود را به طمع، زیاده‌خواهی، دزدی و فریبکاری می‌دهد که نتیجه آن ورشکستگی و بی‌آبرویی است.